

A Reinvestigation of Criteria and Advantages of the Bifurcation of Monotheism into Theoretical and Practical with focus on Imami Theology

Muhammad Meysam Haqhgoo¹

Received: 13/07/2020

Accepted: 29/02/2020

Abstract

In their theological work, some contemporary Imami intellectuals have divided stages of monotheism (*tawhīd*) into “theoretical” and “practical.” They have proposed definitions and criteria in order to explain the bifurcation. A consideration of this body of work reveals that there are troubles with these definitions and criteria of the division. A more precise inquiry is needed to resolve these troubles. Moreover, that the bifurcation was not deployed in some other works necessitates a reconsideration of its advantages.

As a conclusion of this library-analytic research, it turns out that (a) theoretical monotheism is in the realm of insights, whereas practical monotheism is to be found in the realms of desire, character, and deeds, (b) in Imami theology or *kalām*, the division was innovated by Mutahhari—it cannot be found prior to him, (c) although there might be justifications for why the majority of Imami theologians have refrained from making a division between theoretical and practical kinds of monotheism, the bifurcation has its advantages.

Keywords

Theoretical monotheism, practical monotheism, Imami theology, Murtaza Mutahhari.

1. PhD, Teaching Islamic Doctrines, University of Islamic sciences, Qom, Iran. haqhgoo@whc.ir.

بازپژوهی معیارها و فواید تقسیم توحید به نظری و عملی، با تأکید بر کلام امامیه

محمد میثم حقگو*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

چکیده

برخی از اندیشوران معاصر امامیه در آثار کلامی خود مراتب توحید را به دو قسم «نظری» و «عملی» تقسیم کرده، تعریف‌ها و شاخص‌هایی را در تبیین این تقسیم‌بندی مطرح کرده‌اند. بررسی این آثار نشان می‌دهد که مفاد تعریف و ضوابط تقسیم، اشکال‌هایی دارد که رفع آنها به واکاوی دقیق‌تری نیازمند است. همچنین عدم کاربست این تقسیم در برخی دیگر از آثار، می‌طلبد که فواید آن بررسی مجدد شود.

در نتیجه این تحقیق کتابخانه‌ای - تحلیلی مشخص گردید که الف) توحید نظری تنها در حوزه بینش مطرح است، ولی توحید عملی در ساحت‌های کشش، منش و کنش وجود دارد؛ ب) مبتکر این تقسیم در کلام امامیه، شهید مطهری است و پیش از ایشان تقسیم مزبور به کار نرفته است؛ ج) اگرچه می‌توان دربارهٔ اعراض اغلب متکلمان امامیه از تقسیم توحید به نظری و عملی توجه‌هایی ارائه کرد، این تقسیم فوایدی نیز دارد که در مجموع مفید بودن آن را اثبات می‌کند.

کلیدواژه‌ها

توحید نظری، توحید عملی، کلام امامیه، شهید مطهری.

haghgoo@whc.ir

* دکتری مدرسی معارف اسلامی از دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

■ حقگو، محمد میثم. (۱۳۹۹). بازپژوهی معیارها و فواید تقسیم توحید به نظری و عملی، با تأکید بر کلام امامیه.

Doi: 10.22081/jpt.2020.68574

فصلنامه نقد و نظر، ۲۵ (۹۷)، صص ۵۷-۸۹.



مقدمه

موضوع «توحید» از مهم‌ترین موضوعات مطرح در منابع دینی و دانش‌هایی مانند کلام، فلسفه و عرفان اسلامی است. در اهمیت توحید همین بس که ایمان به آن، در کنار تصدیق به رسالت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نخستین شرط تشریف به آیین حیات‌بخش اسلام و ورود به آستانه سعادت و رستگاری است. هر کدام از باورهای ما، به‌ویژه آن‌گاه که به مرتبه «ایمان» برسد، انگیزه‌ها و گرایش‌های خاصی را می‌آفریند و این انگیزه‌ها به شکل‌گیری اعمال خاصی می‌انجامد.

تقسیم توحید به دو شاخه «نظری» و «عملی» می‌تواند این فرایند را با وضوح بیشتری تشریح کند: توحید نظری، نظام اعتقادی خاصی در باب خداشناسی و رابطه خدا با جهان و انسان است. انسان موحّد، ذات خداوند را به یکتایی می‌شناسد و او را تنها خالق، رب و اله عالم می‌داند و به حضور او در تمام هستی اذعان دارد. با توجه به اصل تأثیر اعتقاد در عمل، به یقین باورهای توحیدی چنین انسانی در انگیزه‌ها، خلق و خوها و رفتارهای او مؤثر می‌افتد و رنگ و بوی توحیدی به آن می‌بخشد و این، همان «توحید عملی» است. به این ترتیب، توحید عملی چیزی جز ثمره شیرین و حیات‌بخش باورهای توحیدی نظری در ساحت اعمال جوانحی و جوارحی انسان نیست. چنین انسانی در صورت پایبندی به لوازم عقاید توحیدی خود، تنها خداوند یکتا را می‌پرستد؛ تنها از او یاری می‌جوید؛ جز خداوند به دیگری توکل نمی‌کند؛ تنها مطیع و فرمان‌بردار اوست و هر عملی را فقط برای جلب رضایت آن محبوب بی‌مثال انجام می‌دهد.

پیشینه تقسیم یادشده، واکاوی معیارهای مطرح در این تقسیم‌بندی و بررسی فایده‌های کلامی آن، سه محور بحث در این مقاله است که با تأکید بر آثار متکلمان امامیه عَلَيْهِمُ السَّلَام نگاشته شده است. ضرورت طرح این مباحث بدان جهت است که به این تقسیم‌بندی در برخی آثار کلامی معاصر توجه شده است. در عین حال تعریف و معیار این دو قسم - به استثنای شماری اندک - در هیچ کتاب یا مقاله‌ای به تفصیل تبیین نشده است. به سبب این رویکرد تعریف توحید نظری و عملی و شاخص‌های تفکیک، شفافیت کافی نیافته‌اند و در نتیجه اشکال‌هایی در طرح بحث و بیان مصادیق ایجاد شده است.



از سویی دیگر در تعداد قابل توجهی از آثار، تقسیم یاد شده مطرح نشده است. این مطلب انگیزه‌ای شد تا نگارنده در فواید این تقسیم‌بندی نیز تأملی داشته باشد و میزان کارآیی آن در مباحث کلامی را بررسی کند.

۱. مفهوم «توحید» و «نظری»

«توحید» مصدر باب «تفعیل» است که یکی از معانی آن «نسبت دادن مبدأ اشتقاق فعل به مفعول» و به عبارت دیگر، «کسی یا چیزی را دارای وصفی دانستن» است (استرآبادی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، صص ۹۲، ۹۴؛ نیشابوری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱)؛ برای مثال «تعظیم» به معنای بزرگ‌دانستن و «تکفیر» به معنای کافرشمردن [کسی] است. بر این اساس، یکی از معانی مهم و پرکاربرد توحید، «یکی دانستن و یکتا شمردن» است. هرگاه این واژه درباره خداوند به کار رود، به معنای «اعتقاد به یگانگی خداوند، اقرار و ایمان به وحدانیت خداوند و یکتاپرستی» می‌باشد (نک: مدخل «توحید» در: دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۵؛ معین، ۱۳۸۶؛ عمید، ۱۳۸۹؛ خدایپرستی، ۱۳۷۶). به ظاهر فراوانی استعمال توحید در معنای یادشده سبب شده است در بسیاری از کتاب‌های لغت، واژه توحید به‌طور مطلق (و بدون اضافه به الله) به یکتاپرستی و نفی شریک ترجمه شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۸۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۲۴؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۸۱؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۸۸).

توحید معنای دیگری نیز دارد؛ از جمله «یکی کردن و یگانه گردانیدن» که لغت‌شناسان متعددی مطرح کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۷۷؛ کبیر مدنی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۰۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۹۷؛ ابراهیم انیس، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۲۷).^۱

از اضافه شدن یاء نسبت به واژه «نظر»، واژه «نظری» ساخته شده است. نظر در اصل به معنای تأمل در شیء و دیدن آن است^۲ که دیگر معانی^۳ از همین معنای اصلی گرفته

۱. در دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۴۰۶، مدخل توحید ادعا شده است که معنای «یکی کردن» در دوره جدید برای این واژه استعمال شده است.

۲. برخی نیز اصل آن را «مقابله» دانسته‌اند (عسکری، ۱۴۰۰ق، صص ۶۵-۶۶).

۳. مانند: انتظار، رحمت، تقابل، تحاذی، مراعات، تأئی، تأخیر، مهلت، فکر، بحث و حکم (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۸۱۲-۸۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، صص ۲۱۵-۲۱۸).





شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۴۴). به بیان جامع‌تر، ماده «نظر» یعنی دیدن از روی تعمق و تحقیق در یک موضوع مادی یا معنوی با چشم یا قلب (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۱۸۴). آنگاه که «نظر» مرادف با فکر استعمال گردد، معنایی اصطلاحی می‌یابد که عبارت است از اکتساب مجهول با استفاده از معلومات قبلی، و یا مرتب کردن امور معلوم برای دستیابی به امر مجهول (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۷۰۶؛ مظفر، ۱۳۷۶، ص ۱۹).

واژه «نظری»، افزون بر مفهوم لغوی‌اش (که با توجه به معنای «نظر» روشن می‌شود)، چندین معنای اصطلاحی نیز دارد؛ از جمله:

یک - «کسبی»، در مقابل «بدیهی» یا «ضروری»؛ طبق این اصطلاح، نظری یعنی علم تصویری یا تصدیقی که به دست آوردن آن به عملیات فکری و استدلال نیاز دارد (مظفر، ۱۳۷۶، ص ۱۷).

دو - «علمی»، «ذهنی» و «تئوریک»، در مقابل «عملی»؛ یعنی آنچه که تعلق به کیفیت عمل نداشته باشد و یا آنچه که حصولش متوقف بر عمل نباشد (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۵؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۲۶۶). پس از تعریف اصطلاح «توحید نظری»، روشن خواهد شد که در اینجا دومین معنای اصطلاح «نظری» قصد شده است.

۲. تعاریف اصطلاحی توحید

در تاریخ علم کلام، اصطلاح «توحید» در معانی متفاوتی به کار رفته است؛ بنابراین نباید تصور شود که منظور از توحید در علم کلام، همواره موضوع «یکتایی و بی‌همانندی» خداوند بوده است. اصطلاح کلامی «توحید» تطورهایی داشته است که به نظر می‌رسد می‌توان مجموعه آنها را در سه محدوده معنایی تبیین کرد:

الف) در تعداد اندکی از آثار پیشینیان، این اصطلاح درباره مجموعه عقاید بنیادین اسلام در مباحث مختلف اعتقادی به کار رفته است (نک: ابوحنیفه، ۱۹۸۰م؛ ماتریدی، ۱۴۲۷ق؛ فهرست؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۲؛ تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۲۹).

ب) معنای اصطلاحی دوم، مجموعه عقاید مربوط به خداشناسی است که نسبت به اصطلاح اول کاربرد گسترده‌تری داشته است (توحید به معنای اعم) (نک: صدوق، ۱۴۱۴ق،

صص ۲۱-۲۲؛ صدوق، ۱۳۹۸، فهرست و صص ۱۷-۱۸؛ اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۵۶؛ ابن منده، ۱۴۲۳ق: فهرست؛ قاضی عبدالجبار، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۲۶؛ قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲ق، فهرست). البته گاهی مبحث عدل از این مجموعه متمایز شده است (نک: شریف مرتضی، ۱۳۸۷، صص ۲۹-۳۱؛ حلبی، ۱۴۰۴، ص ۳۳ بب؛ محقق حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷ بب؛ سیوری، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹ بب؛ سیوری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۷۶ بب)؛ از جمله در کاربردی که توحید به عنوان یکی از اصول پنج‌گانه اعتقادی مطرح می‌شود.

ج) اصطلاح سوم به مباحث مربوط به یگانگی و بی‌همتایی خداوند اختصاص دارد (توحید به معنای أخص). این اصطلاح در آثار بسیاری به کار رفته است (برای نمونه نک: فهرست کتاب‌های: حلی، ۱۴۱۳ق؛ جرجانی، ۱۳۲۵؛ نفتازانی، ۱۴۰۹ق). برخی از تعریف‌های متکلمان امامیه از توحید به معنای أخص بدین قرار است:

- حمصی رازی (ف. اوایل قرن ۷ ق): «خداوند بلندمرتبه با عنوان «واحد» توصیف می‌شود. معنای این توصیف آن است که جز خداوند، هیچ موجود دیگری تصور نمی‌شود که شایستگی پرستیده شدن داشته باشد؛ و اینکه در مجموعه صفات ذاتی که خداوند به صورت نفی یا اثباتی، استحقاق آن را دارد، هیچ کس شریک خداوند نیست؛ و اینکه خداوند قابل تجزیه و تبعض نمی‌باشد. خداوند از همه این انواع شرک، مبراست؛ بنابراین از دیدگاه ما خداوند متعال، قدیم و واجب الوجود بالذات است و هیچ قدیمی جز او وجود ندارد» (حمصی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۳۱).

- فاضل مقداد (ف. ۸۷۶ق): «[خدای] واحد، آن موجودی است که در صفات ذاتی اش یگانه است و هیچ کس در این صفات با او شریک نیست. آن صفات ذاتی عبارتند از: واجب الوجود بودن، قدیم بودن، آفرینش مخلوقات و شایستگی عبادت» (سیوری، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵).

- ابوالفتح بن مخدوم (ف. ۹۷۶ق): «حقیقت توحید یعنی تصدیق اینکه خداوند متعال، در صفاتش یگانه است؛ چنان که در ذاتش یگانه است» (سیوری و ابن مخدوم، ۱۳۶۵، ص ۱۴۳).

- شبّر (ف. ۱۲۲۰ق): «توحیدی که اسلام با آن ثابت می‌شود چهار معنا دارد: توحید واجب الوجود، توحید آفریدگار جهان و تدبیرکننده نظام، توحید اله، توحید در





آفرینش و رزق. گاهی نیز توحید بر معانی دیگری اطلاق می‌شود که این معانی، شرط در اصل ایمان یا کمال ایمان هستند» (شبر، ۱۴۲۴ق، صص ۳۶-۳۹).

- کاشف الغطاء (ف. ۱۲۲۸ق): «توحید به این معناست که دانسته شود خداوند متعال در ربوبیتش یگانه است و در عبادت‌شدن شریک ندارد. بحث از صفات ثبوتی و سلبی نیز از توابع همین بحث است» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱).

- شریعتمدار استرآبادی (م. ۱۲۶۳ق): «توحید یعنی کامل بودن واجب الوجود به ذاتش و در ذاتش. بدان که توحید از لحاظ معنای تصویری عبارت است از اینکه مکلف، واجب الوجود بالذات را در همه ابعاد یگانه بداند؛ ... و از لحاظ معنای تصدیقی به معنای اعتقاد همراه با اقرار است به اینکه خداوند ... از هر جهت یگانه است و هیچ تکثری ندارد؛ هیچ شریکی در ذات و هیچ همسان و شبیهی در صفات ندارد» (استرآبادی، ۱۳۸۲، ج ۲، صص ۱۷-۲۱).

ملاحظه می‌شود که در تعریف سیدعبدالله شبر و کاشف الغطاء توحید به مراتبش تعریف شده است؛ اما در تعاریف دیگر، تلاش شده تا بدون ذکر مراتب، مفهوم کلامی توحید معرفی گردد. در همه تعاریف‌های یادشده به معرفت توحیدی (توحید نظری)، با قیدهایی همچون اعتقاد، معرفت و تصدیق توجه شده و به حیث عملی توحید (توحید عملی) توجهی نشده است.^۱ پس اگر بخواهیم تعریفی جامع ارائه دهیم که مشتمل بر دو حیث نظری و عملی توحید باشد، ناگزیر از پیشنهاد تعریف دیگری هستیم؛ بنابراین می‌توان گفت در فضای مباحث کلامی، توحید به معنای اخص به معنای «اعتقاد به یکتایی خداوند در همه مراتب و عمل به مقتضای این اعتقاد» است. منظور از اصطلاح توحید در این نوشتار نیز همین معنای اخص می‌باشد.

۳. پیشینه طرح انواع مراتب توحید در کلام امامیه

توحید به معنای اخص جنبه‌های مختلفی دارد که در همه آنها یگانه‌دانستن خدای متعال

۱. این نکته، مؤید این ادعاست که قدمای متکلمان امامیه، به توحید عملی نپرداخته‌اند.

از حیث خاصی لحاظ می‌گردد که گاه به عنوان «اقسام توحید» و یا «مراتب توحید» از آن یاد می‌شود (نک: مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۱). به لحاظ تقسیم‌بندی و بسط مراتب توحید، شاهد یک سیر تکاملی در کلام امامیه هستیم. بر اساس تتبع گسترده آثار کلامی امامیه تا اوایل سده سیزدهم و تا پیش از حق‌الیقین فی معرفة أصول الدین^۱ اثر سیدعبدالله شبر (ف. ۱۲۴۲ق)، از میان مراتب توحید بیشتر به سه مرتبه توجه شده است: توحید ذاتی و احدی، توحید ذاتی احدی و توحید در عینیت صفات با ذات که مورد اخیر بیشتر با عنوان «نفی المعانی والأحوال» مورد توجه بوده است (برای نمونه نک: ابن‌نوبخت، ۱۴۱۳ق، صص ۴۰، ۴۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، صص ۲۸، ۳۰؛ شریف مرتضی، ۱۳۸۷، صص ۳۰-۳۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، صص ۹۵-۹۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، صص ۲۹۰-۳۰۱؛ محقق حلی، ۱۳۷۶، صص ۶۴-۶۵). البته در همین برهه (پیش از سده سیزدهم) برخی از متکلمان گاهی به مراتب دیگری نیز اشاره کرده‌اند؛ مراتبی نظیر توحید در الوهیت، قدمت (ازلیت)، خالقیت، استحقاق عبادت (معبودیت) و انحصار صفات در ذات (برای نمونه نک: شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، صص ۲۱-۲۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، صص ۵۱-۵۲؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۴ق، صص ۸۶، ۸۸؛ جمعی رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۳۱؛ علامه حلی، ۱۹۸۲م، ص ۶۴؛ سیوری، ۱۴۱۲ق، صص ۶۵، ۶۸). این تتبع به نسبت جامع نشان می‌دهد که متکلمان امامی تا پیش از سده دوازدهم، مراتب عملی توحید را مطرح نکرده و همواره برخی از مراتب نظری توحید را در نظر داشته‌اند.

از میان آثار مورد بررسی، کتاب حق‌الیقین سیدعبدالله شبر با بسط مراتب توحید، فصل جدیدی در این زمینه گشوده و مراتبی از توحید عملی را نیز مطرح کرده است. ایشان در ابتدای مبحث توحید، دو معنا برای توحید برمی‌شمارد: «عدم الجزئیة وعدم الشریک» (شبر، ۱۲۲۶، صص ۳۲-۳۳)؛ اما در ادامه به تفصیل مراتب متنوعی را عنوان کرده است که سه مرتبه آخر، گویای مراتبی از توحید عملی می‌باشد:

توحیدی که اسلام با آن ثابت می‌شود، چهار معنا دارد: (۱) توحید واجب الوجود؛ به این معنا که واجب الوجود هیچ شریکی در وجود و وجوب ندارد؛ (۲) توحید آفریدگار

۱. تاریخ تألیف این کتاب، ۱۲۲۶ق است.





جهان و تدبیرکننده نظام؛ (۳) توحید اله [یعنی] فقط او استحقاق عبادت شدن دارد و نفی شریک از او در استحقاق عبودیت؛ (۴) توحید در آفرینش و رزق که می‌توان این معنا را در قسم دوم نیز قرار داد. گاه توحید بر معانی دیگری نیز اطلاق می‌شود که شرط در اصل ایمان یا کمال ایمان هستند؛ مانند: توحید در صفات و عینیت صفات و نفی مغایرت آنها؛ توحید در امر و نهی؛ توحید در مالکیت نفع و ضرر؛ توحید در توکل و اعتماد؛ توحید در محبت و موذت؛ و توحید در اعمال؛ به این معنا که برای غیر خدا کاری انجام ندهد (شبر، ۱۲۲۶، صص ۳۶-۴۰ و صص ۵۷-۶۰).

این روند در برخی از آثار بعدی نیز تداوم یافت و مراتب دیگری از توحید عملی در کنار مراتب نظری بیان شد؛ برای مثال محمدجعفر استرآبادی (ف. ۱۲۶۳ق) و محمدرضا مظفر (ف. ۱۳۸۳ق) و بسیاری از مؤلفان معاصر، توحید در عبادت را مطرح کرده‌اند (نک: استرآبادی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۹؛ مظفر، ۱۳۷۸، ص ۳۷).

۴. پیشینه کاربرد اصطلاحی توحید نظری و توحید عملی

تقسیم توحید به نظری و عملی و مطرح شدن اصطلاح «توحید نظری» و «توحید عملی» در کلام امامیه، ابتکاری نوپدید است. به نظر می‌رسد سابقه کاربرد این دو اصطلاح، در نهایت به آثار استاد شهید مرتضی مطهری (ف. ۱۳۵۸) می‌رسد و پیشتر در کلام امامیه چنین اصطلاحی به کار نرفته است.^۱ *شکله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

البته تقسیم مقسم‌های مختلف به دو شاخه نظری و عملی، پرکاربرد و دیرینه است: از تقسیم معروف فلسفه به معنای اعم به نظری (شامل الهیات، ریاضیات و طبیعیات) و عملی (شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن) تا مقسم‌های دیگری مثل قوای نفس (نراقی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹)، عقل، اخلاق، عرفان، حکمت و صناعت (نک: تهنوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۵). حتی شهید مطهری منطبق (به معنای معیارهای فکر بشری) را نیز بر اساس نوع معیار

۱. این مدعا و برخی دیگر از مطالب این بخش، افزون بر بررسی کتاب‌ها و مقالات، بر جست‌وجوی واژگان مرتبط در نرم‌افزارهای کتابخانه کلام اسلامی، کتابخانه حکمت اسلامی و عرفان مبتنی است.

به همین منوال تقسیم کرده است: معیارهای نظری که بر منطق‌های رایج منطبق است و معیارهای عملی که سیره یا روش نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹ ج، ص ۶۰).^۱

اگرچه اصطلاح توحید نظری نوظهور است، تقسیم توحید بر مبنای عقیدتی و رفتاری در کلام غیرامامیه به‌ویژه سلفیان سابقه دیرینه‌ای دارد؛ با این تفاوت که به‌جای توحید نظری از اصطلاح «توحید علمی» و واژگان مشابهی مانند «قولی»، «اعتقادی» و «خبری»، و به‌جای توحید عملی از اصطلاح «توحید طلب»، «توحید قصد» و «توحید اراده» استفاده شده است (نک: ابن تیمیه، ۱۴۲۰ق، ج ۳، صص ۷۹۷-۸۰۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، جزء ۱، صص ۵۷-۵۸؛ ج ۱، جزء ۲، ص ۲۲؛ ابن قیم، ۱۴۲۵ق، ج ۲۱، ص ۵۷۷؛ هراس، ۱۴۱۵ق، ج ۲، صص ۵۴-۵۵؛ حنفی، ۲۰۰۵م، ص ۸۹؛ قاری، ۱۴۲۸ق، ص ۲۲).

افزون بر آنچه گذشت در برخی آثار عرفانی، مانند الإنسان الكامل نسفی (ف. ۱۳۵۹ق) و تهذیب النفوس ابن بادیس (ف. ۱۳۵۹ق) هم توحید به علمی و عملی منقسم گردیده است (نسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶؛ سکندری و ابن بادیس، ۱۴۲۶ق، ص ۵۲)؛ هرچند برخی عارفان توحید علمی را قسیم دو یا سه قسم دیگر قرار داده‌اند (نک: کاشانی، بی‌تا، ص ۱۹؛ آملی، ۱۳۵۲، ص ۳۵۹؛ اسیری لاهیجی، ۱۳۱۲، ص ۱۱۲).

۵. تبیین معیار تمایز توحید نظری از توحید عملی

با توجه به اینکه شهید مطهری مبتکر استفاده از دو اصطلاح توحید نظری و توحید عملی در حوزه دانشی کلام امامیه بوده‌اند، مناسب است برخی عبارات‌های ایشان بررسی شود: در اسلام دو توحید وجود دارد: نظری و عملی. توحید نظری مربوط به عالم شناخت و اندیشه است؛ یعنی خدا را به یگانگی شناختن و توحید عملی یعنی خود را در عمل، یگانه و یک‌جهت و در جهت ذات یگانه‌ساختن؛ به عبارت دیگر توحید نظری یعنی شناخت یگانه‌بودن خدا و توحید عملی یعنی یگانه‌شدن انسان (مطهری، ۱۳۸۹ ج، ص ۲۶، ۹۷).

۱. ایشان تصریح دارند که در منطق تاکنون چنین تقسیمی بیان نشده است.





مراتب سه گانه فوق [توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی]، توحید نظری و از نوع شناختن است، ولی توحید در عبادت، توحید عملی و از نوع «بودن» و «شدن» است. آن مراتب توحید، تفکر و اندیشه راستین است و این مرحله از توحید «بودن» و «شدن» راستین. توحید نظری بینش کمال است و توحید عملی جنبش در جهت رسیدن به کمال. توحید نظری پی بردن به «یگانگی» خداست و توحید عملی «یگانه شدن» انسان است. توحید نظری «دیدن» است و توحید عملی «رفتن» (مطهری، ۱۳۸۹ الف، ج ۲، ص ۱۰۴).

بازگویی این عبارت‌ها، به تبع منظور از اصطلاح‌های توحید نظری و توحید عملی را نیز مشخص می‌کند. شهید مطهری معیارهای «شناخت، اندیشه و تفکر» را در مقابل «عمل، بودن و شدن»، و معیار «بینش» را در مقابل «جنبش» و معیار «دیدن» را در مقابل «رفتن» مطرح کرده است. ایشان با بیان جملات مزبور و ارائه این معیارها که همگی عبارت اُخرای یک حقیقت‌اند، کوشیده است میان این دو آموزه تمایز ایجاد کند و شناخت صحیحی از ماهیت متفاوت توحید نظری و عملی به خواننده منتقل کند. همچنین شهید مطهری در بررسی معیار تمایز توحید و شرک، ملاک دیگری را نیز ارائه کرده است:

مرز توحید نظری و شرک نظری «از اویی» است: «إِنَّا لِلَّهِ... اعتقاد به وجود موجودی که موجودیتش «از او» نباشد، شرک است. اعتقاد به تأثیر موجودی که مؤثریتش «از او» نباشد، باز هم شرک است... مرز توحید و شرک در توحید عملی «به سوی اویی» است: «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». توجّه به هر موجود - اعمّ از توجّه ظاهری و معنوی - هرگاه به صورت توجّه به یک راه برای رفتن به سوی حق باشد و نه یک مقصد، توجّه به خداست (مطهری، ۱۳۸۹ الف، ج ۲، صص ۱۳۱-۱۳۲).

ایشان با الهام از آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶)، شاخص «از اویی» را در مقام تفکیک بین توحید و شرک نظری و شاخص «به سوی اویی» را برای تمییز میان توحید و شرک عملی مطرح کرده است. این دو معیار می‌تواند مرزبندی قابل ملاحظه‌ای را میان جنبه‌ها و اندیشه‌های مختلف الهی و الحادی ایجاد کند (نک: خندان، ۱۳۸۹، صص ۱۴۳-۱۷۸).

اگرچه تلاش ایشان به عنوان مبتکر طرح این تقسیم در کلام امامیه، شایسته تقدیر است، به هر حال برخی از شاخص‌ها - به‌ویژه در توحید عملی - روشن نیست و به تصریح ابعاد مختلف توحید عملی را بازگو نکرده است. معیارهای «جنبش، رفتن و به سوی اویی» توان انتقال مخاطب به ابعاد «احساسی، گرایشی و رفتاری» را ندارد و همگی نیازمند توضیحات تبیینی و تکمیلی هستند.

آیت الله جوادی آملی توحید عملی را این‌گونه معرفی می‌کند که «انسان چه کند تا خط‌مشی زندگی او موحدانه باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۵۱۰) و آن‌گاه درباره معیار تمایز می‌نویسد:

توحید نظری متضمن تأمین حُسن اندیشه و گزارش علمی سالک است و توحید عملی تأمین‌کننده حُسن انگیزه و گرایش عملی اوست و صعود سالک بدون این دو بال ممکن نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۵۱۰).

به نظر می‌رسد کلام ایشان اگرچه عبارت‌پردازی فاخری دارد، به همه ابعاد توحید عملی تصریح ندارد. در این عبارت، سخن از «انگیزه» و «گرایش» به درستی مطرح شده است. این دو معیار ناظر به جنبه‌های درونی (جوانحی) توحید عملی است، ولی مهم‌ترین جلوه توحید عملی در رفتار بیرونی (جوارحی) انسان می‌باشد که در مقام تعریف و بیان شاخص توجه چندان‌ی به آن نشده و تعبیر «خط‌مشی زندگی» هم گویای آن نیست.

آیت الله خرازی پس از توضیح توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی، این سه قسم را از نوع توحید نظری دانسته و ملاک نظری بودن این مراتب را «از نوع معرفت» بودن دانسته است. سپس توحید عبادی، اطاعی، استعانی و حبّی را به عنوان مصادیق توحید عملی دانسته، ولی ملاکی در این باره معرفی نکرده است (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۴). تبیین ایشان درباره این اقسام عملی، به دلیل بی‌توجهی به یک معیار مشخص در مراتب عملی دچار ناهماهنگی است. توحید استعانی به معنای «استعانت‌نگرفتن عبد از غیر خدا» تعریف شده است که با معیار عملی بودن انطباق دارد، اما در توحید عبادی و اطاعی، «استحقاق خداوند برای عبادت و اطاعت»، و در توحید حبّی نیز «لیاقت انحصاری خداوند در محبوبیت» ذکر شده است. این‌گونه تعبیرها بیشتر ناظر به حیث





معرفت و اندیشه‌ورزی است و ظاهراً به دلیل نداشتن اهتمام به تشریح ملاک نظری یا عملی بودن توحید، در مقام تبیین مراتب نیز ناهماهنگی‌هایی رخ داده است.

نویسنده دیگری در تبیین بهتر این معیار می‌نویسد:

مقصود ما از توحید نظری آن است که انسان در اندیشه خود به وحدانیت و یکتایی شأنی از شئون خداوند اعتقاد داشته باشد. به دیگر سخن، توحید نظری عبارت است از «اعتقاد قطعی به یکتایی خداوند در ذات، صفات و افعال». بدیهی است که اگر این اعتقاد در اعماق قلب آدمی ریشه دواند، به اعمال و رفتار او صبغه خاصی می‌بخشد و به تعبیری، کردار او نیز توحیدی یا موحدانه می‌گردد. در این مرحله، به حوزه توحید عملی وارد می‌شویم؛ بنابراین مقصود از توحید عملی، «رفتار موحدانه» است؛ یعنی آدمی در برخورد با خداوند متعال به گونه‌ای عمل کند که مقتضای اعتقاد و اندیشه توحیدی اوست (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۷).

ملاک ارائه شده در این نوشتار توحید نظری را به درستی شناسانده است؛ ولی در تبیین ملاک توحید عملی، تنها به حوزه رفتارها توجه کرده و حوزه‌هایی مانند نیت، احساس، گرایش و خلق را وانهاده است. افزون بر این، حتی در رفتار نیز به عملکرد انسان با دیگر انسان‌ها و موجودات اشاره‌ای نشده است. این نویسنده اگرچه در موضع دیگری ثمره توحید نظری را در انگیزه‌ها، رفتارها و اعمال انسان، مؤثر دانسته (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۲۹)، در مقام تعریف و معرفی ملاک، شاخص دقیق و همه‌جانبه‌ای را برای توحید عملی ارائه نکرده است.

ملاحظه دیگر در کلام وی اینکه ایشان مقصود از «عمل» در توحید عملی را شامل اعمال جوانحی و جوارحی دانسته است (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۲۸، پاورقی)؛ اما به نظر می‌رسد تحدید توحید عملی در دو ساحت عمل جوارحی و عمل جوانحی نادرست باشد؛ زیرا بیانش، معرفت، اعتقاد و ایمان نسبت به مراتب نظری توحید هم جزو اعمال جوانحی است؛ همچنان که مراتب مختلف علم حصولی و علم حضوری و شهودی نیز جوانحی هستند و هیچ کدام مناط تقسیم توحید به نظری و عملی نیستند؛ برای مثال،

همان‌گونه که تمامی مراتب تلاش‌های ذهنی، علم حصولی، علم حضوری و نیز اعتقاد و ایمان و اطمینان به آموزه توحیدی «لا معبود سواه» از سنخ توحید نظری است، تمامی این مراتب نسبت به آموزه «لا نعبد إلا إياه» در حیطه مباحث توحید عملی می‌گنجد.

با استمداد از مجموع دیدگاه‌ها و بررسی‌های پیش‌گفته می‌توان به این نتیجه رسید که ملاک «نظری بودن» یک گزاره توحیدی آن است که خروجی مستقیم آن به معرفت شأن و مرتبه‌ای از یگانگی خداوند محدود باشد و ملاک «عملی بودن» آن است که خروجی مستقیم آن به ساحت‌های غیر معرفتی مانند گرایش، احساس و رفتار مکلف مربوط شود؛ به بیان دیگر توحید نظری تنها در حوزه بینش و اعتقاد مطرح است،^۱ ولی توحید عملی در ساحت‌های متنوع انگیزه و تمایل (کشش)، خلق و خو (منش) و عملکرد و رفتار (کنش) وجود دارد؛ بنابراین اگرچه توحید عملی نیز با استفاده از بحث‌های نظری تبیین می‌شود، محصول این تراکنش ذهنی، بازگوکننده یک آموزه فrazه‌نی است که در فضای خارج از ذهن و مرتبط با عواطف، اخلاق یا اعمال انسان کارایی دارد؛ در حالی که فرآورده مباحث توحید نظری، اعتقاد و بینشی است که در محیط ذهن باقی می‌ماند. در نتیجه، موضوع بحث در توحید نظری، گزاره‌های اخباری یا ناظر به واقع (هست و نیست‌ها) می‌باشد؛ اما موضوع مباحث توحید عملی، گزاره‌های انشایی و ناظر به ارزش (بایدها و نبایدها) است.

توحید نظری، اساس و زیرساخت تئوریک توحید عملی است؛ زیرا در تمامی اقسام توحید عملی، مبانی علمی و استدلال‌ها به مرتبه یا مراتبی از توحید نظری برمی‌گردد (ر.ک: سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۴۴؛ شاکرین، ۱۳۹۴، ص ۷۹)؛ بنابراین توجه به مرز میان این دو قسم اهمیت ویژه‌ای در تفکیک مباحث و تمییز عبارات‌های متشابه دارد؛ برای مثال تشخیص اینکه عبارت شریف «لا إله إلا الله» ناظر به کدام قسم است، بر شناخت وجه تمایز توحید نظری از توحید عملی مبتنی است. طبق ملاک برگزیده، اگر برداشت ما از کلمه توحید، «لا معبود سواه» یا «إنه تعالی مستحق للعبادة» باشد، این عبارت از سنخ توحید نظری است؛ زیرا بیان‌کننده یک اعتقاد و بینش معرفتی است؛ و اگر «لا نعبد إلا



۱. یعنی همان معنای اصطلاحی دوم که ذیل عنوان «واژه‌شناسی توحید و نظری» بیان گردید.



ایاه» را در نظر داشته باشیم^۱ توحید عملی اراده شده؛ چون ناظر بر نوعی رفتار موحدانه است.^۲ متناظر با این مثال، اگر اصطلاح «توحید عبادی» یا «توحید در عبادت» را طبق برداشت اول از کلمه توحید تعریف کنیم، مرتبه‌ای از توحید نظری است و اگر مطابق برداشت دوم معرفی کنیم، مرتبه‌ای از توحید عملی را بیان کرده‌ایم.

پس از تبیین ملاک، اکنون می‌توان تعریف دقیق‌تری از این اصطلاح‌ها بیان داشت. پیش‌تر گفتیم توحید به معنای اخص در تعریفی موجز و ناظر به هر دو حیث نظری و عملی، عبارت است از: «اعتقاد به یکتایی خداوند در همه مراتب، و عمل به مقتضای این اعتقاد». مطابق با این تعریف و شاخص‌های تمایز، تعریف برگزیده این دو اصطلاح در حیظه دانش کلام چنین می‌شود:

الف) توحید نظری: «اعتقاد به یگانگی خداوند در مرتبه‌ای از مراتب^۳ وحدانیت» و یا «بینش توحیدی»؛ مانند «لا معبود سوا الله».

ب) توحید عملی: «هرگونه گرایش، خلق و رفتار به مقتضای توحید نظری» یا «کشش، منش و کنش موحدانه مطابق با بینش توحیدی»؛ نظیر «لا نعبد إلا الله».

با توجه به تقابل توحید و شرک، می‌توان شرک نظری و عملی را نیز با استفاده از همین مطالب شناسایی و معرفی کرد. بدین لحاظ «هرگونه اعتقاد به عدم یگانگی خداوند در مرتبه‌ای از مراتب وحدانیت» و «هرگونه گرایش، خلق و رفتار به مقتضای شرک نظری»، تعریف‌های مختار ما درباره شرک نظری و شرک عملی خواهد بود. عبارت پردازی تعریف شرک نظری در مقایسه با تعریف توحید نظری، به این نکته اشاره دارد که توحید، راهبرد یگانه‌ای است که هم‌نوا با محتوای خود، یکتا و عاری از تکثر است؛ اما شرک‌اندیشی مصادیق متکثر و سبیل‌های متفرقی دارد که مشتمل بر هرگونه خروج از صراط مستقیم توحیدی است.

۱. هر چند کلمه توحید در برداشت اول ظهور دارد (نک: شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۴۴۵-۴۴۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۰۱).
 ۲. برای مطالعه نمونه‌ای از خلط توحید نظری و عملی نک: مطهری، ۱۳۸۹، ب، ج ۳، ص ۷۱.
 ۳. یا «شأنی از شئون» یا «قسمی از اقسام».

۶. بررسی فایده‌های کلامی تقسیم توحید به نظری و عملی

تا پیش از چند سده اخیر، متکلمان عنایتی به ذکر مراتب عملی توحید و فراتر از آن، تقسیم مراتب توحید به نظری و عملی نداشته‌اند. همچنین شاهد آنیم که به‌رغم مطرح شدن این تقسیم در آرای شخصیت برجسته‌ای همچون استاد شهید مطهری، در بسیاری از نگاه‌های کلامی معاصر از این تقسیم‌بندی استفاده نشده است (مظفر، ۱۳۷۸، صص ۳۷، ۳۹؛ خراسانی، ۱۴۱۶ق، صص ۲۱۳-۲۱۴، ص ۳۴۷، ص ۵۶۵؛ لواسانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۲۹، صص ۱۵۷-۱۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، صص ۶۲-۶۳؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، صص ۱۱-۱۰۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۳۵؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۴، ج ۱، صص ۶۸-۹۱، صص ۱۵۸-۱۵۹؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۴۱-۹۹). حتی در یکی از این آثار، پس از بیان تقسیم یادشده و برشماری توحید عبادی، اطاعی، استعانی و حبّی در زمره مراتب عملی، تصریح شده است که می‌توان مراتب عملی توحید را ذیل همان مراتب نظری مشابه قرار داد؛ به این اعتبار که خداوند مستحق این انواع از توحید می‌باشد (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۴).

عدم استفاده از تقسیم یادشده در آثار متقدم و معاصر می‌تواند با عنایت به این نکته باشد که همه مراتب عملی توحید به مرتبه نظری مشابهش بازمی‌گردد و درحقیقت هر مرتبه عملی، ثمره اعتقاد و ایمان به یکی از مراتب نظری است. این وابستگی به حدی است که تحقق هر کدام از مراتب عملی توحید، بدون توجه به مرتبه نظری متناظرش، امری ناشدنی است؛ بنابراین می‌توان پس از بیان هر مرتبه نظری، نتایج رفتاری و عملی آن را نیز بررسی کرد؛ برای مثال، پس از تبیین و اثبات توحید در الوهیت (به معنای یگانگی خداوند در استحقاق عبادت شدن)، مباحث عملی مربوط به عبادت مکلفان و شبهات وهابیان را بررسی کرد؛ یا آنکه پس از استدلال بر توحید در حاکمیت (به معنای یگانگی خداوند در استحقاق حاکمیت) به مباحث و شبهات مرتبط با حکومت دینی پرداخت، بدون آنکه هیچ خلل یا اشکالی در اتصال رشته مباحث وجود داشته باشد. حتی ممکن است ادعا شود که در این صورت مباحث نظری و عملی مرتبط با یک مرتبه توحیدی از انسجام بیشتری نیز برخوردار می‌شود؛ زیرا در صورت تقسیم مراتب به نظری و عملی، چه‌بسا در تدوین و تنظیم مباحث، بین یک مرتبه توحیدی نظری و مرتبه





متناظر عملی، فاصله ایجاد شود که این فاصله باعث بروز مشکلاتی در آموزش یا دفاع از باورها گردد و پیوسته به یادآوری و مرور مطالب مرتبط نیاز داشته باشیم.

نکته دیگر در توجیه اکتفای متکلمان به مراتب نظری توحید، بررسی دیدگاه‌ها در تحدید موضوع دانش کلام است. در بسیاری از آثار کلامی، موضوع علم کلام را «عقاید دینی» (برای نمونه نک: جرجانی، ۱۳۲۵، ج ۱، ص ۴۰؛ جرجانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۱۶۷، ۱۷۳؛ فیاض لاهیجی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱) یا «ذات و صفات الهی» (برای نمونه نک: فیاض لاهیجی، بی تا، ج ۱، ص ۹؛ مفتی، ۱۳۷۴، ص ۴۳؛ استرآبادی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۷؛ سبحانی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۳، ۶۷۳) دانسته‌اند؛ بنابراین موضوع بحث‌های کلامی ذات و صفات الهی است و توحید در ذات، صفات و افعال به‌طور مستقیم به خداوند مربوط است و مسئله‌ای کلامی است؛ ولی توحید در عبادت، در حقیقت مربوط به افعال مکلفان است که بر آنان واجب است تنها خدا را پرستش کنند. آری لازمه این مطلب آن است که فقط خداوند شایسته پرستش باشد، و این موضوعی کلامی است؛ اما شایستگی پرستش جز به دلیل صفات ذاتی و فعلی خداوند نیست و آنان در بحث توحید و دیگر بحث‌های کلامی این صفات را بررسی کرده‌اند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۹۷-۹۸). همین مبنا سبب شده است که در گذشته، جایگاه بحث از مراتب توحید و شرک عبادی، کتاب‌های اخلاقی باشد (برای نمونه نک: شهید ثانی، ۱۳۷۱، صص ۱۴۶-۱۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۳ق، صص ۲۰۵-۲۱۳؛ شبّر، بی تا، صص ۱۶۴-۱۵۵؛ نراقی، ۱۳۷۸، صص ۶۱۶-۶۳۴) و متقدمان از متکلمان اسلامی در بحث‌های کلامی‌شان، تنها به توحید ذاتی، صفاتی و افعالی بپردازند و از توحید در عبادت بحث نکنند.

به‌رغم نکاتی که در توجیه رویگردانی متکلمان از تقسیم توحید به نظری و عملی مطرح گردید، می‌توان و جوهی از فایده‌های این تقسیم و اهمیت توجه به توحید عملی با رویکرد کلامی را بیان داشت:

الف) در نتیجه گسترده‌گی اسمای حسنا و صفات علیای خداوند متعال (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۳۵۶)، مراتب توحید نیز تکثر و تنوع بسیار زیادی دارد؛ از این رو در مقام آموزش و دفاع از باورها، هر اندازه بتوان با استفاده از حیث‌ها و اعتبارهای مختلف، مراتب توحیدی را دسته‌بندی کرد، تحقق اهداف دانش کلام با سهولت بیشتری میسر

خواهد بود. یکی از ملاک‌های قابل استفاده در تقسیم توحید، ملاکی است که در تقسیم به نظری و عملی مطرح گردید.

ب) توجه به دوگانه‌های نظری - عملی، سابقه دیرینه‌ای دارد که به اجمال در بخش «پیشینه کاربرد اصطلاحی» مطرح شد. اعتبار و فایده‌های عامی که در انواع مختلف این دوگانه‌ها مشهود است، می‌تواند در تقسیم توحید نیز لحاظ گردد. ضمن آنکه به لحاظ ضوابط منطقی تقسیم و معیارهایی که در تمایز توحید نظری و عملی مطرح گردید، این تقسیم با هیچ‌گونه منع منطقی مواجه نیست.

ج) کاربرست این تقسیم، مواجهه با مباحث توحیدی سلفیه را تسهیل می‌کند؛ با این توضیح که پاسخ‌گویی به هجده‌های کلامی سلفی‌ها که بیشتر بر اساس مبانی توحیدی آنهاست، می‌طلبد که ما نیز بحث توحید را در ساختار کلامی مشابهی پی‌ریزی کنیم و با این تدبیر، دفاع از عقاید توحیدی شیعه را با دقت و شفافیت بیشتری سازمان دهیم.

د) اعتقاد به آموزه‌های نظری توحید، نباید به عنوان غرض نهایی مباحث توحید تلقی شود. لازمه کارآمدی مؤثر این آموزش‌ها آن است که پس از تبیین، اثبات و شبهه‌زدایی از مراتب نظری، برون‌دادهای اخلاقی و رفتاری تشریح گردد و تعاریف، ابعاد، مصادیق و ... مراتب عملی، از حیث روش و هدف دانش کلام بررسی شود. اگر اشکال شود که طبق توجه‌های پیش‌گفته، بدون این تقسیم‌بندی نیز می‌توان مراتب عملی توحید را ذیل مرتبه نظری متناظر مطرح کرد، پاسخ می‌دهیم اگرچه این امکان وجود دارد، تقسیم یادشده باعث جلب توجه بیشتر دانش‌وران به مراتب عملی توحید می‌شود. اساساً در فضای تدوین مباحث یک دانش، گشایش باب مستقل برای هر موضوع، پیام‌آور عنایت خاص به آن موضوع می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف روشن گردید که شاخص مهم در تفکیک توحید و شرک نظری از توحید و شرک عملی، عبارت است از اینکه:

مراتب نظری تنها در حوزه بینش و اعتقاد مطرح است، ولی مراتب عملی در



ساحت‌های متنوع انگیزه و تمایل (کشش)، خلق و خو (منش) و عملکرد و رفتار (کنش) وجود دارد.

بنابراین اگرچه توحید عملی نیز با استفاده از بحث و استدلال نظری تبیین می‌شود، نتیجه این مباحث نظری، در فضای خارج از ذهن و مرتبط با احساس، حُلق یا رفتار انسان کارایی دارد. با تعیین شاخص‌های تمایز، تعریف این اصطلاح‌ها نیز ارائه گردید. در زمینه فایده‌های بحث نیز گفته شد که این تقسیم‌بندی در آثار کلامی متقدمان و بسیاری از نگاه‌های معاصر مطرح نشده است و برای این امر، توجه‌هایی قابل ارائه است؛ اما در عین حال می‌توان فواید مختلفی را برشمرد؛ مانند:

- نظام‌مند کردن مراتب توحید بر اساس حیث‌های مختلف؛

- اتقان هرچه بیشتر در پاسخ به وهابیان؛

- و تنقیح کلامی مباحث توحید در راستای تربیت توحیدی انسان.

بدین ترتیب، انقسام توحید به دو شاخه نظری و عملی را می‌توان یک گام مثبت و دارای فایده در پیشبرد اهداف دانش کلام تلقی کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. آملی، سیدحیدر. (۱۳۵۲). المقدمات من کتاب نص النصوص. تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتو ایران و فرانسه پژوهش‌های علمی در ایران.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم. (۱۴۲۰ق). التسعینیة. (ج ۳). ریاض: مکتبه المعارف.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم. (۱۴۲۱ق). مجموع الفتاوی. (ج ۱). بیروت: مصطفی عبد القادر عطا.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم والمحیط الأعظم. (ج ۳). (تحقیق: عبد الحمید هنداوی). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). المحیط فی اللغه. (ج ۳). (تحقیق: محمدحسن آل یاسین). بیروت: عالم الکتب.
۶. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه. (ج ۵ و ۶). (تحقیق: عبد السلام محمد هارون). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن قیّم، محمد بن ابی بکر. (۱۴۲۵ق). مدارج السالکین (تصحیح: عبد الغنی الفاسی). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن منده، محمد بن اسحاق. (۱۴۲۳ق). التوحید و معرفه أسماء الله عزوجل و صفاته (تحقیق: علی محمدناصر فقیهی). مدینه: مکتبه العلوم والحکم.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. (ج ۵). بیروت: دار صادر.
۱۰. ابن نوبخت، ابو اسحاق ابراهیم. (۱۴۱۳ق). الیاقوت فی علم الکلام (تحقیق: علی اکبر ضیائی). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۱. ابوحنیفه، نعمان بن ثابت. (۱۹۸۰م). «الفقه الأكبر». در: مغنیساوی. ابوالمنتهی. الرسائل السبعه فی العقائد. شرح الفقه الأكبر. حیدرآباد دکن. بی‌نا.
۱۲. ازهری، محمد بن حمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغه. (ج ۵). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. استرآبادی، رضی الدین محمد. (۱۴۰۲ق). شرح شافیه ابن حاجب. (ج ۱). (تحقیق: محمد نور الحسن، محمد الزفراف و محمد محیی الدین عبد الحمید). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۴. استرآبادی، محمدجعفر بن سیف الدین. (۱۳۸۲ش). البراهین القاطعه فی شرح تجرید العقائد الساطعه. (ج ۱ و ۲). (تحقیق: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.





۱۵. اسیری لاهیجی، محمد. (۱۳۱۲ق). مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز (تحقیق: میرزا محمد ملک الکتاب). بمبئی: بی.نا.
۱۶. اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۴۰۰ق). مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین. آلمان - ویسبادن: فرانس شتاينر.
۱۷. أنیس، ابراهیم و دیگران. (بی.تا). المعجم الوسيط. (ج ۲). تهران: ناصر خسرو.
۱۸. تفتازانی، سعد الدین. (۱۴۰۹ق). شرح المقاصد. (ج ۱). (تحقیق: عبدالرحمن عمیره). قم: الشریف الرضی.
۱۹. تهنانوی، محمدعلی. (۱۹۹۶م). موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم. (ج ۱ و ۲). (تحقیق: علی دحروج). بیروت: مكتبة لبنان الناشرین.
۲۰. جرجانی، میرسید شریف. (۱۳۲۵ق). شرح المواقف. (ج ۱). (تصحیح: بدرالدین نعلانی). قم: الشریف الرضی.
۲۱. جرجانی، میرسید شریف. (۱۴۱۲ق). التعريفات. تهران: ناصر خسرو.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳ش). تفسیر موضوعی قرآن کریم: توحید در قرآن. (ج ۲). (تنظیم: حیدر علی ایوبی). قم: اسراء.
۲۳. حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۷۵-۱۳۹۴). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۲۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. (ج ۵). (تحقیق: علی هلالی و علی سیری). بیروت: دار الفکر.
۲۵. حسینی لواسانی، سیدحسن. (۱۴۲۵ق). نور الأفهام فی علم الکلام. (ج ۱). (تحقیق: سیدابراهیم لواسانی). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۶. حلبي، تقی الدین ابوالصلاح. (۱۴۰۴ق). تقرب المعارف (تحقیق: رضا استادی). قم: الهادی.
۲۷. حلبي، جعفر بن الحسن. (۱۳۷۶ش). رسالة فی العقیده. در: چهار رساله اعتقادی. در: میراث اسلامی ایران. دفتر ششم (به کوشش: رسول جعفریان). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۸. حلبي، جعفر بن الحسن. (۱۴۱۴ق). المسلك فی أصول الدین (تحقیق: رضا استادی). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
۲۹. حلبي، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (تحقیق و تعلیق: حسن حسن زاده آملی). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۰. حلی، حسن بن یوسف. (۱۹۸۲م). نهج الحق و كشف الصدق (تعليق: عين الله حسنى ارموى). بيروت: دار الكتاب اللبناني.
۳۱. حمصی رازی، سدید الدین محمود. (۱۴۱۲ق). المنقذ من التقليد. (ج ۱). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۲. حنفی، ابن ابی العز. (۲۰۰۵م). شرح العقیده الطحاویه (تحقیق: ناصر الدین آلبنی). بغداد: دار الكتاب العربی.
۳۳. خداپرستی، فرج الله. (۱۳۷۶ش). فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی. شیراز: دانشنامه فارس.
۳۴. خرازی، سید محسن. (۱۴۱۷ق). بدایة المعارف الإلهیه فی شرح عقائد الإمامیه. (ج ۱). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۵. خراسانی، محمدجواد. (۱۴۱۶ق). هداية الأمة إلى معارف الأئمة. قم: مؤسسه البعثه.
۳۶. خندان، علی اصغر. (۱۳۸۹). توحيد و شرك در معرفت و علوم انسانی با تأکید بر آثار و اندیشه‌های استاد شهید مرتضی مطهری. معرفت کلامی، ۱(۴)، ص ۱۴۳-۱۷۸.
۳۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۷-۱۳۴۶). لغت‌نامه (زیر نظر محمد معین). (ج ۱۵). تهران: دانشگاه تهران.
۳۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۳۹. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۴). عقاید استدلالی. (ج ۱). قم: نشر سنابل.
۴۰. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۷). کلام تطبیقی. جلد ۱. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۴۱. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۲ق). الإلهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل. (ج ۲). قم: المؤتمر العالمی للدراسات الإسلامیه.
۴۲. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۵ق). رسائل و مقالات. (ج ۵). قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۴۳. سعیدی مهر، محمد. (۱۳۹۲ش). آموزش کلام اسلامی (ویراست جدید). (ج ۱). قم: نشر طه.
۴۴. سکندری، احمد بن عطاء الله و عبد الحمید بن بادیس. (۱۴۲۶ق). تاج العروس الحاوی لتهذیب النفوس (تصحیح: احمد فرید المزیدی). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۵. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۵ق). إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين (تحقیق: سیدمهدی رجایی). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۶. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). الإعتقاد فی شرح واجب الإعتقاد (تحقیق: ضیاء الدین بصری). بی‌جا: مجمع البحوث الإسلامیه.





۴۷. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله. (۱۴۲۰ق). الأنوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریه. (تحقیق: علی حاجی آبادی و عباس جلالی نیا). مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۴۸. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله و ابوالفتح بن مخدوم حسینی. (۱۳۶۵). الباب الحادی عشر مع شرحیه النافع یوم الحشر و مفتاح الباب (تحقیق: مهدی محقق). تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
۴۹. شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۹۴). روش شناسی عقاید دینی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۰. شبر، سید عبدالله. (۱۲۲۶ق). حق الیقین فی معرفه أصول الدین. قم: أنوار الهدی.
۵۱. شبر، سید عبدالله. (بی تا). الأخلاق (تصحیح: جواد شبر). نجف: مطبعة النعمان.
۵۲. شریف مرتضی، علی بن الحسین. (۱۳۸۷ق). جمل العلم والعمل. نجف: مطبعة الآداب.
۵۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۷۱). التنبیهاث العلیة علی وظائف الصلاة القلیبیه (تحقیق: صفاء الدین بصری). مشهد مقدس: انتشارات آستان قدس رضوی.
۵۴. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید (تحقیق: هاشم حسینی). قم: جامعه مدرسین.
۵۵. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). الاعتقادات. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۵۶. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج ۱). بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۵۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۱). (تصحیح: فضل الله یزدی و هاشم رسولی). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۵۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). مسائل کلامیه. در: الرسائل العشر. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. (ج ۲). (تصحیح: احمد حیب عاملی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۰. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجدیده.
۶۱. عمید، حسن. (۱۳۸۹ش). فرهنگ فارسی عمید (ویرایش: عزیز الله علیزاده). تهران: راه رشد.
۶۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. (ج ۳). قم: نشر هجرت.
۶۳. فیاض لاهیجی، عبد الرزاق. (بی تا). شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام. (ج ۱). اصفهان: مهدوی.
۶۴. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط. (ج ۱ و ۲). بیروت: دار الکتب العلمیه.

٦٥. فيض كاشاني، محمد بن مرتضى. (١٤٢٣ق). الحقائق في محاسن الأخلاق (تحقيق: محسن عقيل). قم: دار الكتاب الإسلامى.
٦٦. قارى، ملا على. (١٤٢٨ق). شرح كتاب الفقه الأكبر (تعليق: على محمد دندل). بيروت: دار الكتب العلمية.
٦٧. قاضى عبدالجبار، ابوالحسن بن احمد. (١٤٢٢ق). شرح الأصول الخمسة (تعليق: احمد بن حسين ابى هاشم). بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٦٨. قاضى عبدالجبار، ابوالحسن بن احمد. (١٩٨٦م). المجموع فى المحيط بالتكليف. (ج ١). بيروت: دار المشرق.
٦٩. كاشانى، عز الدين محمود. (بى تا). مصباح الهداية و مفتاح الكفاية. تهران: نشر هما.
٧٠. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (١٤٢٥ق). العقائد الجعفرية (تحقيق: سيدمهدى شمس الدين). قم: مؤسسه انصاريان.
٧١. كبير مدنى، سيدعلى خان بن احمد. (١٣٨٤ش). الطراز الأول والكناز لما عليه من لغة العرب المعول. (ج ٦). (تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث). مشهد: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
٧٢. ماترىدى، محمد بن محمد. (١٤٢٧ق). التوحيد (تحقيق فتح الله خليف). بيروت: دار الكتب العلمية.
٧٣. مصباح يزدى، محمدتقى. (١٣٧٨). آموزش عقايد. (ج ١). تهران: چاپ و نشر بين الملل سازمان تبليغات اسلامى.
٧٤. مصطفىوى، حسن. (١٤٣٠ق). التحقيق فى كلمات القرآن الكريم. (ج ١٢). بيروت - قاهره - لندن: دار الكتب العلمية و مركز نشر آثار علامه مصطفىوى.
٧٥. مطهرى، مرتضى. (١٣٧٨). عقائد الإمامية (تحقيق: حامد حنفى). قم: انصاريان.
٧٦. مطهرى، مرتضى. (١٣٨٩ الف). مجموعه آثار. (ج ٢). قم: مركز تحقيقات كامپوترى علوم اسلامى. نرم افزار مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى.
٧٧. مطهرى، مرتضى. (١٣٨٩ ب). مجموعه آثار. (ج ٣). قم: مركز تحقيقات كامپوترى علوم اسلامى. نرم افزار مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى.
٧٨. مطهرى، مرتضى. (١٣٨٩ ج). مجموعه آثار. (ج ١٦). قم: مركز تحقيقات كامپوترى علوم اسلامى. نرم افزار مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى.



۷۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ د). مجموعه آثار. (ج ۲۶). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی. نرم افزار مجموعه آثار استاد شهید مطهری.
۸۰. مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۶). المنطق. قم: سید الشهداء.
۸۱. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. (ج ۴). به اهتمام عزیز الله علیزاده و محمود نامنی. تهران: نشر نامن.
۸۲. مفتی، حمید. (۱۳۷۴ ش). قاموس البحرين (تصحیح: علی اوجبی). تهران: میراث مکتوب.
۸۳. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق) (الف). النکت الإعتقادیة. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۸۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق)، (ب). أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۸۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵ ش). دروس فی العقائد الإسلامیة. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۸۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۸ ش). معراج السعادة. قم: هجرت.
۸۷. نراقی، مهدی بن ابی ذر. (۱۳۶۹ ش). أنیس الموحّدین (تصحیح و تعلیق: سید محمد علی قاضی طباطبایی). تهران: نشر الزهراء.
۸۸. نسفی، عزیزالدین بن محمد. (۱۳۸۶ ش). الإنسان الكامل (تحقیق ماریژان موله). تهران: نشر طهوری.
۸۹. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد. (۱۳۹۲ ش). شرح النظام علی الشافیه (تحقیق: محمد زکی جعفری). قم: نشر دار الحجة.
۹۰. هراس، محمد خلیل. (۱۴۱۵ ق). شرح القصیدة النونیة. (ج ۲). بیروت: دار الکتب العلمیة.



References

1. Amid, H. (2010). *Farhang-i Farsi* (Persian Dictionary) (A. A. Alizadiah, Ed.). Tehran: Rah-i Rushd. [In Persian]
2. Askari, H. (1979). *Al-Furuq fi-l-Lugha*. Beirut: Dar al-Afaq al-Jadida. [In Arabic]
3. Abu Hanifa, N. (1980). Al-Fiqh al-Akbar. In Mughnisawi, Abu-l-Muntaha. *Al-Rasa'il al-Sab'a fi-l-'Aqa'id, Sharh al-Fiqh al-Akbar*. Hyderabad: n.p. [In Arabic]
4. Al-Humsi al-Razi, Sadid al-Din Mahmud. (1981). *Al-Munqidh min al-Taqlid* (The Rescuer from the Emulation). Vol. 1. Qom: Mu'assisat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
5. Amuli, S. H. (1973). *Al-Muqaddimat min Kitab Nass al-Nusus*. Tehran: Iranian Studies Section of Iran-France Institute of Academic Research in Iran. [In Arabic]
6. Anis, I. (n.d.). *Al-Mu'jam al-Wasit*. Tehran: naser khosro. [In Arabic]
7. Haddad 'Adil, Gh. A. (1996-2015). *Danishnami-yi Jahan-i Islam*. Tehran: Encyclopedia Islamica Foundation. [In Arabic]
8. Ash'ari, A. (1979). *Maqalat al-Islamiyyin wa Ikhtilaf al-Musallin*. Wiesbaden, Germany: Franz Steiner. [In Arabic]
9. Asiri Lahiji, M. (1894). *Mafatih al-'jaz fi Sharh Gulshan-i Razi* (M. M. M. al-Kuttab, Ed.). Mumbai: n.p. [In Arabic]
10. Astarabadi, M. J. (2003). *Al-Barahin al-Qati'a fi Sharh Tajrid al-'Aqa'id al-Sati'a*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
11. Astarabadi, Radiyy al-Din Muhammad. (1981). *Sharh Shafiya Ibn Hajib* (M. Nur al-Hasan, M. al-Zafzaf, & M. Muhyi-l-Din 'Abd al-Hamid, Eds., Vol. 1). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
12. Azhari, M. (2000). *Tahdhib al-Lugha* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]



13. Dihkhuda, A. A. (1958-1967). *Lughatnamih* (M. Mu'in, Ed., Vol. 15). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
14. Farahidi, Kh. (1988). *Kitab al-'Ayn* (Vol. 3). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
15. Fayd Kashani, Muhammad ibn Murtada. (2002). *Al-Haqa'iq fi Mahasin al-Akhlaq* (The Truths in Good Morals). Edited by Muhsin 'Aqil. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
16. Fayyad Lahiji, 'Abd al-Razzaq. (n.d.). *Shawariq al-Ilham fi Sharh Tajrid al-Kalam* (Illuminations of Inspiration in Elaboration of Abstraction of Theology). Vol. 1. Isfahan: Mahdawi. [In Arabic]
17. Firuzabadi, Muhammad ibn Ya'qub. (1994). *Al-Qamus al-Muhit* (The Comprehensive Dictionary). Volumes 1 and 2. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
18. Halabi, Taqiyy al-Din Abu-l-Salah. (1983). *Taqrib al-Ma'arif* (Approximation of the Doctrines). Edited by Riza Ustadi. Qom: al-Hadi. [In Arabic]
19. Hanafi, Ibn Abi-l-'Aziz. (2005). *Sharh al-'Aqidat al-Tahawiyya* (Elaboration of the Tahawi Belief). Edited by Nasir al-Din Albani. Baghdad: Dar al-Kitab al-'Arabi. [In Arabic]
20. Haras, Muhammad Khalil. (1994). *Sharh al-Qasidat al-Nuniyya* (Elaboration of Nuni Qasida). Vol. 2. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
21. Hilli, al-Hasan ibn Yusuf. (1982). *Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-I'tiad* (The Discovery of the Meaning in Elaboration of Abstraction of the Belief). Edited and commented by Hasan Hasanzadih Amuli. Qom: Mu'assisat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
22. Hilli, al-Hasan ibn Yusuf. (1982). *Nahj al-Haqq wa Kashf al-Sidq* (The Way of the Truth and the Discovery of the Reality). Commented by 'Ayn Allah Hasani Armawi. Beirut: Dar al-Kutub al-Lubnani. [In Arabic]



۸۲

سال بیست و پنجم، شماره اول (پیاپی ۹۷)، بهار ۱۳۹۹

23. Hilli, Ja'far ibn al-Hasan. (1983). *Al-Maslak fi Usul al-Din* (The Manner in the Principles of the Religion). Edited by Riza Ustadi. Mashhad: Majma' al-Buhuth al-Islamiyya. [In Arabic]
24. Hilli, Ja'far ibn al-Hasan. (1997). *Risala fi-l-'Aqida* (An Essay on the Belief). In *Chahar Risali-yi I'tiqadi* (Four Doctrinal Essays) in *Miras-i Islami-yi Iran* (Iran's Islamic Heritage). Vol. 6. Edited by Rasul Ja'fariyan. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic]
25. Husayni Lawasani, Sayyid Hasan. (2004). *Nur al-Afham fi 'Ilm al-Kalam* (The Lights of Understanding in the Science of Kalam). Vol. 1. Edited by Sayyid Ibrahim Lawasani. Qom: Islamic Publication Institute. [In Arabic]
26. Husayni Zubaydi, Muhammad Murtada. (1993). *Taj al-'Arus min Jawahir al-Qamus* (The Crown of the Bride from Jewelry of the Dictionary). Vol. 5. Edited by 'Ali Hilali and 'Ali Sayri. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
27. Ibn 'Ibad, Isma'il. (1983). *Al-Muhit fi-l-Lugha* (The Surround in Vocabulary). Vol. 3. Edited by Muhammad Hasan Al Yasin. Beirut: 'Alam al-Kitab. [In Arabic]
28. Ibn al-Faris, Ahmad. (1983). *Mu'jam Maqayis al-Lugha* (Dictionary of the Scales of Vocabulary). Volumes 5 and 6. Edited by 'Abd al-Salam Muhammad Harun. Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
29. Ibn al-Manzur, Muhammad ibn Mukram. (1993). *Lisan al-'Arab* (The Language of Arabs). Vol. 5. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
30. Ibn Manda, Muhammad ibn Ishaq. (2002). *Al-Tawhid wa Ma'rifa Asma' Allah 'Azz wa Jall wa Sifatuh* (Monotheism and Knowledge of the Exalted Honored God's Names and Attributes). Edited by 'Ali Muhammad Nasir Faqih. Medina: Maktabat al-'Ulum wa-l-Hikam. [In Arabic]
31. Ibn Nubakht, Abu Ishaq Ibrahim. (1992). *Al-Yaqut fi 'Ilm al-Kalam* (The Ruby in the Science of Kalam). Edited by 'Ali Akbar Ziya'i. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic]



32. Ibn Qayyim, Muhammad ibn Abi Bakr. (2004). *Madarij al-Salikin* (Degrees of Spiritual Travelers). Edited by 'Abd al-Ghaniyy al-Fasi. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
33. Ibn Sayyida, 'Ali ibn Isma'il. (2000). *Al-Muhkam wa-l-Muhit al-A'zam* (The Firm and the Greatest Surround). Vol. 3. Edited by 'Abd al-Hamid Hindawi. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
34. Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. (1999). *Al-Tis'iniyya* (The Ennead). Vol. 3. Riyadh: Maktabat al-Ma'arif. [In Arabic]
35. Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. (2000). *Mahmu' al-Fatawa* (Collected Fatwas). Vol. 1. Beirut: Mustafa 'Abd al-Qadir 'Ata'.
36. Javadi Amuli, 'Abd Allah. (2014). *Tafsir-i Mawzu'i-yi Qur'an-i Karim: Towhid dar Qur'an* (The Topical Exegesis of the Dignified Qur'an: Monotheism in the Qur'an). Vol. 2. Edited by Haydar 'Ali Ayyubi. Qom: Isra'. [In Persian]
37. Jurjani, Mir Sayyid Sharif. (1907). *Sharh al-Maqaqif* (Elaboration of the Positions). Vol. 1. Edited by Badr al-Na'sani. Qom: al-Sharif al-Raziyy. [In Arabic]
38. Jurjani, Mir Sayyid Sharif. (1991). *Al-Ta'rifat* (The Definitions). Tehran: Nasir Khusrow. [In Arabic]
39. Kabir Madani, Sayyid 'Ali Khan ibn Ahmad. (2005). *Al-Taraz al-Awwal wal-Kunaz li-ma 'alayh min Lughat al-'Arab al-Ma'mul* (The Primary Style and Treasures for the Common Arabic Vocabulary). Vol. 6. Edited by Mu'assisa Al al-Bayt li-Ihya' al-Turath. Mashhad: Mu'assisa Al al-Bayt li-Ihya' al-Turath. [In Arabic]
40. Kashani, 'Izz al-Din Mahmud. (n.d.). *Misbah al-Hidaya wa Miftah al-Kifaya* (The Light of the Guidance and the Key of the Sufficiency). Tehran: Huma Publications. [In Arabic]
41. Kashif al-Ghita', Ja'far ibn Khidr. (2004). *Al-'Aqa'id al-Ja'fariyya* (The



Ja'fari Beliefs). Edited by Sayyid Mahdi Shams al-Din. Qom: Ansariyan Institute. [In Arabic]

42. Khandan, 'Ali Asghar. (2010). Towhid va Shirk dar Ma'rifat va 'Ulum-i Inساني ba Ta'kid bar Athar va Andishi-hayi Ustad Shahid Murtaza Mutahhari. (Monotheism and Polytheism in Knowledge and Human Sciences with Focus on Mutaza Mutahhari's Work and Thoughts). *Ma'rifat-i Kalami 1*, no. 4: pp .143-178. [In Persian]
43. Kharrazi, Sayyid Muhsin. (1996). *Bidayat al-Ma'arif al-Ilahiyya fi Sharh 'Aqa'id al-Imamiyya* (The Beginning of the Divine Doctrines in Elaboration of Imami Beliefs). Vol. 1. Qom: Mu'assisat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
44. Khudaparasti, Faraj Allah. (1997). *Farhang-i Jami'-i Vazhgan-i Mutaradif va Mutazadd-i Zaban-i Farsi* (The Comprehensive Dictionary of Persian Synonyms and Antonyms). Shiraz: Danishnami-yi Fars. [In Persian]
45. Khurasani, Muhammad Jawad. (1995). *Hidayat al-Umma ila Ma'arif al-A'imma* (Guidance of the Nation to the Doctrines of the Imams). Qom: Mu'assisat al-Bi'tha. [In Arabic]
46. Makarim Shirazi, Nasir. (2006). *Durus fi-l-'Aqa'id al-Islamiyya* (Lessons in Islamic Beliefs). Qom: The School of Imam 'Ali ibn Abi Talib. [In Arabic]
47. Maturidi, Muhammad ibn Muhammad. (2006). *Al-Tawhid* (Monotheism). Edited by Fath Allah Khalif. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
48. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi. (1999). *Amuzish-i 'Aqa'id* (Teaching the Beliefs). Vol. 1. Tehran: International Printing and Publishing of Islamic Development Organization. [In Persian]
49. Mu'in, Muhammad. (2007). *Farhang-i Farsi* (Persian Dictionary). Vol. 4. Edited by 'Aziz Allah 'Alizadieh and Mahmud Namani. Tehran: Naman. [In Persian]
50. Mufid, Muhammad ibn Muhammad. (1992 a). *Al-Nukat al-I'tiqadiyya* (Doctrinal Points). Qom: World Conference of Shaykh Mufid. [In Arabic]



51. Mufid, Muhammad ibn Muhammad. (1992 b). *Awa'il al-Maqalat fi-l-Madhahib wa-l-Mukhtarat* (Early Articles in Denominations and the Selected). Qom: World Conference of Shaykh Mufid. [In Arabic]
52. Mufti, Hamid. (1995). *Qamus al-Bahrayn*. Edited by 'Ali Awjabi. Tehran: Miras-i Maktub. [In Arabic]
53. Mustafawi, Hasan. (2009). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim* (Investigation of the Words of the Dignified Qur'an). Vol. 12. Beirut, Cairo, and London: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya and Center for Publication of 'Allama Mustafawi's Work. [In Arabic]
54. Mutahhari, Murtaza. (1999). *'Aqa'id al-Imamiyya* (Imami Beliefs). Edited by Hamid Hanafi. Qom: Ansariyan. [In Arabic]
55. Mutahhari, Murtaza. (2010 a). *Collected Work*. Vol. 2. Qom: Computer Research Center of Islamic Sciences, Mutahhari's Collected Work Software. [In Persian]
56. Mutahhari, Murtaza. (2010 b). *Collected Work*. Vol. 3. Qom: Computer Research Center of Islamic Sciences, Mutahhari's Collected Work Software. [In Persian]
57. Mutahhari, Murtaza. (2010 c). *Collected Work*. Vol. 16. Qom: Computer Research Center of Islamic Sciences, Mutahhari's Collected Work Software. [In Persian]
58. Mutahhari, Murtaza. (2010 d). *Collected Work*. Vol. 26. Qom: Computer Research Center of Islamic Sciences, Mutahhari's Collected Work Software. [In Persian]
59. Muzaffar, Muhammad Riza. (1997). *Al-Mantiq* (The Logic). Qom: Sayyid al-Shuhada'. [In Arabic]
60. Naraqi, Ahmad ibn Muhammad Mahdi. (1999). *Mi'raj al-Sa'ada* (The Ascent of Happiness). Qom: Hijrat. [In Persian]
61. Naraqi, Mahdi ibn Abi Dharr. (1990). *Anis al-Muwahhidin* (The Companion



نظر
صدر

سال بیست و پنجم، شماره اول (پیاپی ۹۷)، بهار ۱۳۹۹

of the Monotheists). Edited and commented by Sayyid Muhammad 'Ali Qadi Tabataba'i. Tehran: al-Zahra'. [In Arabic]

62. Nasafi, 'Aziz al-Din ibn Muhammad. (2007). *Al-Insan al-Kamil* (The Perfect Human). Edited by Marijan Mole. Tehran: Tahuri. [In Arabic]
63. Nishaburi, Nizam al-Din Hasan ibn Muhammad. (2013). *Sharh al-Nizam 'ala al-Shafiya*. Edited by Muhammad Zaki Ja'fari. Qom: Dar al-Hujja. [In Arabic]
64. Qadi 'Abd al-Jabbar, Abu-l-Hasan ibn Ahmad. (1986). *Al-Majmu' fi-l-Muhit bi-l-Taklif* (The Compendium in Surrounding the Obligation). Vol. 1. Beirut: Dar al-Mashriq. [In Arabic]
65. Qadi 'Abd al-Jabbar, Abu-l-Hasan ibn Ahmad. (2001). *Sharh al-Usul al-Khamsa* (Elaboration of the Five Principles). Commented by Ahmad ibn Husayn ibn Abi Hsahim. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
66. Qari, Mulla 'Ali. (2007). *Sharh Kitab al-Fiqh al-Akbar* (Elaboration of the Book, the Greatest Jurisprudence). Commented by 'Ali Muhammad Dandal. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
67. Rabbani Gulpayigani, 'Ali. (2005). *'Aqa'id-i Istidlali* (Argumentative Beliefs). Vol. 1. Qom: Sanabil. [In Persian]
68. Rabbani, Gulpayigani, 'Ali. (2008). *Kalam-i Tatbiqi* (Comparative Theology). Vol. 1. Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]
69. Raghīb Isfahani, Husayn ibn Muhammad. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an* (The Single Words of the Qur'an). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
70. Sa'idi Mihr, Muhammad. (2013). *Amuzish-i Kalam-i Islami* (Teaching Islamic Theology). Vol. 1. Qom: Taha. New edition. [In Persian]
71. Saduq, Muhammad ibn 'Ali. (1977). *Al-Tawhid* (Monotheism). Edited by Hashim Husayni. Qom: Jami'i-yi Mudarrisin. [In Arabic]
72. Saduq, Muhammad ibn 'Ali. (1993). *Al-I'tiqadat* (The Beliefs). Qom: World Conference for Shaykh Mufid. [In Arabic]



73. Shahid Thani, Zayn al-Din ibn 'Ali. (1992). *Al-Tanbihat al-'Aliyya 'ala Waza'if al-Salat al-Qalbiyya* (High Reminders for Obligations of Prayer in the Heart). Edited by Safa' al-Din Basri. Mashhad: Astan-i Quds-i Razavi. [In Arabic]
74. Shakirin, Hamid Riza. (2015). *Ravish-Shinasi-yi 'Aqa'id-i Dini* (The Methodology of Religious Beliefs). Tehran: Islamic Research Institute for Culture and Thought. [In Persian]
75. Sharif Murtada, 'Ali ibn al-Husayn. (1967). *Jumal al-'Ilm wa-l-'Amal* (Statements of Knowledge and Action). Najaf: Matba'at al-Adab. [In Arabic]
76. Shubbar, Sayyid 'Abd Allah. (2003). *Haqq al-Yaqin fi Ma'rifa Usul al-Din* (The Truth of Certitude in Knowledge of the Principles of the Religion). Qom: Anwar al-Huda. [In Arabic]
77. Shubbar, Sayyid 'Abd Allah. (n.d.). *Al-Akhlaq* (Ethics). Edited by Jawad Shubbar. Najaf: Matba'at al-Nu'man. [In Arabic]
78. Sikandari, Ahmad ibn 'Ata' Allah and 'Abd al-Hamid ibn Badis. (2005). *Taj al-'Arus al-Hawi li-Tahdhib al-Nufus* (The Bride's Crown Containing the Refinement of the Souls). Edited by Ahmad Farid al-Mazidi. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
79. Subhani, Ja'far. (1991). *Al-Ilahiyyat 'ala Huda al-Kitab wa-l-Sunna wa-l-'Aql* (The Theology with the Guidance of the Book and the Tradition and Reason). Vol. 2. Qom: Al-Mu'tamar al-'Alami li-l-Dirasat al-Islamiyya. [In Arabic]
80. Subhani, Ja'far. (2004). *Rasa'il va Maqalat* (Essays and Articles). Vol. 5. Qom: Mu'assisat al-Imam al-Sadiq. [In Persian]
81. Suyuri Hilli, Miqdad ibn 'Abd Allah and Abul-Fath ibn Makhдум Husayni. (1986). *Al-Bab al-Hadi 'Ashr ma'a Shahiyya al-Nafi' Yawm al-Hashr wa Miftah al-Bab* (The Eleventh Gate with the Elaboration of the Useful on the Day of Resurrection and the Gate's Key). Edited by Mahdi Muhaqqiq. Tehran: Institute for Islamic Studies. [In Arabic]



82. Suyuri Hilli, Miqdad ibn ‘Abd Allah. (1984). *Irshad al-Talibin ila Nahj al-Mustarshidin* (The Guidance of the Aspirants to the Way of the Guided). Edited by Sayyid Mahdi Raja’i. Qom: Library of Ayatollah Mar‘ashi Najafi. [In Arabic]
83. Suyuri Hilli, Miqdad ibn ‘Abd Allah. (1991). *Al-I’timad fi Sharh Wajib al-I’tiqad*. Edited by Ziya’ al-Din Basri. Mashhad: Majma‘ al-Buhuth al-Islamiyya. [In Arabic]
84. Suyuri Hilli, Miqdad ibn ‘Abd Allah. (1999). *Al-Anwar al-Jalaliyya fi Sharh al-Fusul al-Nasiriyya* (The Glorious Lights in Elaboration of Nasiri Chapters). Edited by ‘Ali Haji Abadi and ‘Abbas Jalaliniya. Mashhad: Majma‘ al-Buhuth al-Islamiyya. [In Arabic]
85. Tabarsi, Fadl ibn al-Hasan. (1993). *Majma‘ al-Bayan fi Tafsir al-Qur’an* (F. Yazdi & H. Rasuli, Eds., Vol. 1). Tehran: Nasir Khusrow. [In Arabic]
86. Tabataba’i, Sayyid Muhammad Husayn. (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur’an* (Vol. 1). Beirut: al-A‘lami Institute. [In Arabic]
87. Taftazani, S. (1988). *Sharh al-Maqasid* (Elaboration of the Destinations). Vol. 1. Edited by ‘Abd al-Rahman ‘Umayra. Qom: al-Sharif al-Radiyy. [In Arabic]
88. Tahanawi, M. A. (1996). *Mawsu‘a Kashshaf Istilahat al-Funun wa-l-‘Ulum* (A. Dahruj, Ed., Vols. 1, 2). Beirut: Maktaba Lubnan al-Nashirun. [In Arabic]
89. Tusi, M. (1993). *Masa’il Kalamiyya*. In *al-Rasa’il al-‘Ashr* (The Ten Essays). Qom: Mu’assisat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
90. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur’an* (H. Amili, Ed., Vol. 2). Beirut: Dar Ihya’ al-Turath al-‘Arabi. [In Arabic]

